

خودشناسی و تعیین اولویت‌ها؛ رابطه‌ای که ما را به هدف خلقت می‌رساند

چرا دانستن رابطه خودشناسی و تعیین اولویت‌ها برای ما مهم است؟

تقریباً همه ما می‌دانیم که تفاوت زندگی هر کدام از ما باهم، به تفاوت در نوع نگاه، خودشناسی و تعیین اولویت‌ها در امور مختلف زندگی‌مان برمی‌گردد؛ یکی مادی است، یکی اهل رسیدن به اندام و قیافه، دیگری اهل درس و دانشگاه و... اما شاید خیلی به این فکر نکرده باشیم که اولویت‌های زندگی خود را بر چه اساسی تنظیم می‌کنیم؟ شناخت ما از خودمان در دسته‌بندی درست این اولویت‌ها تأثیری دارد یا نه؟ یا اصلاً ارتباطی بین خودشناسی و تعیین اولویت‌ها در زندگی می‌بینیم؟ ما معمولاً اولویت‌های زندگی‌مان را بر اساس محبت و عشقی که نسبت به امور مختلف داریم، شکل می‌دهیم و این محبت اساس حرکت ما در زندگی می‌شود، اما سؤال اینجاست که این محبت بر چه اساسی بالا آمده؟ معیار در اولویت قرار گرفتن آن چه بوده؟ یا اینکه بالاترین محبت چیست و بهترین اولویت‌بندی بر چه اساسی تنظیم می‌شود؟ واضح است که رسیدن به اولویت‌بندی درست در نظام ریاضی خلقت ممکن است، اما قواعد و شرایطی دارد که قصد داریم در این درس به آن پردازیم. در حقیقت می‌خواهیم با فهمیدن رابطه میان خودشناسی و تعیین اولویت‌ها، به پاسخی برای بسیاری از سؤالات بالا برسیم.

رعایت اولویت‌ها

حتماً با افرادی برخورد داشته‌اید، که پایبند رعایت اولویت‌ها نیستند؛ زمانی که باید به خانواده خود اختصاص بدهند، صرف کار، تحصیل و موقعیت اجتماعی‌شان می‌کنند و وقتی باید به مستقل شدن فرزندشان کمک کنند، با حمایت‌های بی‌جای خود او را ضعیف می‌کنند. وقتی باید از همسرشان حمایت عاطفی کنند، نسبت به او بی‌توجهند و وقتی همسرشان به زمانی برای خودش نیاز دارد، او را تنها نمی‌گذارند. با نگاهی کلی‌تر متوجه می‌شویم که این اولویت‌ها در مقیاسی بزرگتر هم جریان دارند.

در حقیقت تمام زندگی ما در سایه اولویت‌هایی قرار دارد که آگاهانه یا ناآگاهانه تمام افکار، رفتار، ارتباط‌ها و انتخاب‌هایمان را با آنها تنظیم می‌کنیم.

در زندگی هر کدام از ما معمولاً موضوعی قالب بوده و بر سایر تصمیمات ما هم سایه می‌افکند؛ مثلاً اگر فردی باشیم که اهل تجملات، پول و به طور کلی کمالات جمادی باشیم، این اولویت در انتخاب شغل، همسر، رشته تحصیلی و حتی مکان زندگی‌مان هم تأثیر می‌گذارد، یا اگر کسی باشیم که کمالات عقلی برایش در اولویت است، ممکن است خیلی از سختی‌ها را بر خود یا خانواده‌مان تحمیل کنیم تا به کمال عقلی بالاتری برسیم. به همین ترتیب اگر کمالات گیاهی یا حیوانی برای ما در صدر قرار داشته باشند، زندگی ما را تحت‌الشعاع خود قرار داده و تصمیمات و انتخاب‌های ما را با خود همسو می‌کنند. شاید در ظاهر فکر کنیم که زندگی موفق داریم یا همه چیز خوب پیش می‌رود، اما مادامی که اولویت‌های زندگی ما با ساختار وجودی‌مان هماهنگی ندارند، در جهت کمال انسانی و هدف خلقت خود حرکت نمی‌کنیم، درست مانند راننده‌ای که فکر می‌کند در جهت درستی در حال حرکت است، اما در واقع هر چه بیشتر رانندگی می‌کند، از مقصد خود دورتر می‌شود.

خودشناسی و تعیین اولویت‌ها؛ ارتباطی دوسویه

ما هر چقدر هم در انتخاب اولویت‌های زندگی خود حساسیت به خرج دهیم یا دقت کنیم، مادامی که ندانیم این اولویت‌ها بر چه اساسی، برای چه موجودی و با چه ویژگی‌هایی باید تنظیم شوند، راه به جایی نمی‌بریم. فرض کنید که برای دوختن لباسی پیش ماهرترین خیاط شهر برویم، تا زمانی که مشخص نکنیم این لباس برای چه شخصی، با چه اندازه‌هایی و برای چه محیطی قرار است دوخته شود، به لباس مورد نظر خود نمی‌رسیم؛ پس برای تشخیص درست اولویت‌های خود در زندگی نیاز داریم که ابتدا خودمان را بشناسیم. ما تا ندانیم که وجودمان چه ساختاری دارد و از چه مراتبی تشکیل شده، نمی‌توانیم اولویت‌های رسیدن به مقصد را برایش مشخص کنیم؛ یعنی از درک ارتباط میان خودشناسی و تعیین اولویت‌ها عاجز خواهیم بود.

همان‌طور که در درس‌های گذشته به آن پرداختیم، نفس ما مانند کل جهان از یک ساختار ریاضی تشکیل شده، اما مسئله اینجاست که ما به دلیل عقل محدود خود نه از ساختار وجودی‌مان به درستی باخبریم و نه می‌توانیم اولویت‌های آن را به درستی تشخیص دهیم. ما بدون شناخت خودمان تنها از کمالی به کمال دیگر در سرگردانی هستیم. تنها کسی که می‌تواند ما را در این زمینه یاری کرده و از این سرگشتگی نجات دهد، کسی است که نه تنها به همه ابعاد وجود ما آگاه است، بلکه می‌داند برای رسیدن به مقصد و هدف خلقتمان باید چگونه عمل کنیم، یا اولویت‌های زندگی‌مان را باید بر چه اساسی تنظیم کنیم، تا دچار آسیب، سرگردانی و خسران نشویم. رابطه خودشناسی و تعیین اولویت در نظام محبتی یک رابطه دوسویه است. ما اگر خود را بشناسیم اما قادر به تعیین اولویت برای معشوق‌هایمان نباشیم، به مشکل برمی‌خوریم. اگر هم بدون شناخت خود دست به تعیین اولویت‌ها بزنیم، به هدف خلقت خود نمی‌رسیم. در واقع زمانی می‌توانیم در جهت کمال انسانی خود حرکت کنیم که اولویت‌ها و نظام محبتی‌مان را بر اساس من حقیقی‌مان تنظیم کرده باشیم؛ که معادل با فهمیدن درست رابطه خودشناسی و تعیین اولویت‌ها در زندگی است.

خودشناسی چگونه اولویت‌های ما را تنظیم می‌کند؟

در بخش خودشناسی متوجه شدیم که آنچه ما را از سایر موجودات متفاوت می‌کند، جنبه انسانی یا بعد فوق‌عقلانی وجود ماست؛ یعنی ما هر قدر هم که در کمالات دیگر موفق عمل کنیم، تا زمانی که فوق‌عقل خود را در رأس قرار ندهیم، انسان نیستیم؛ در حقیقت برای رسیدن به تعادل و توازن انسانی نیاز داریم که تمام مراتب وجودمان را با بعد فوق‌عقل خود هماهنگ کنیم و برای رسیدن به کمال انسانی، هدف خلقت و نزدیکی به خدا باید اولویت‌های زندگی خود را بر مبنای این بعد انسانی و من حقیقی‌مان تنظیم کنیم.

هدف ما رسیدن به الله و شبیه شدن به اوست، اما برای این شباهت ابتدا نیاز داریم تا بعد الهی و انسانی خود را بشناسیم؛ یعنی تنها بعدی که به بی‌نهایت راه داشته و قابلیت شباهت به الله را دارد، اما مسیر شباهت و نزدیکی به الله تنها به اینجا ختم نمی‌شود. ما نیاز به الگویی داریم که کامل‌ترین آیینۀ خدا و جامع‌ترین مظهر اسماء و صفات اوست.

فرض کنید به کودکی می‌گوییم مهربان باش یا بخشش داشته باش! تا زمانی که این کودک مهربانی یا بخشش را عملاً ندیده، ذهنیتی نسبت به آن ندارد و متوجه منظور ما نمی‌شود. کافیست ما را در حال مهربانی یا گذشتن از اشتباه دیگران دیده باشد، تا به خوبی از رفتارمان الگو بگیرد. ما هم در مقیاس بزرگتر به همین ترتیب عمل می‌کنیم. انسان کامل همان الگوی بدون نقصیست که ما برای شباهت به خدا به او نیاز داریم. در حقیقت ما اگر خودمان را نشناخته باشیم، نه ضرورت شبیه شدن به الله را تشخیص می‌دهیم و نه ضرورت نیاز به الگویی برای شباهت به الله را احساس می‌کنیم. بدون خودشناسی ما هیچ تلاش و جهادی برای رسیدن به کمال مطلق نمی‌کنیم و این یعنی دور شدن از هدفی که خدا برای خلقت ما در نظر گرفته است.

پس ما برای چپش نظام محبتی و تعیین درست اولویت‌ها در زندگی نیاز داریم که الله، اهل بیت و جهاد در راه خدا را در رأس اولویت‌ها و معشوق‌هایمان در زندگی قرار دهیم¹ و این بدون خودشناسی ممکن نیست؛ در نتیجه خودشناسی و تعیین اولویت‌ها و تنظیم نظام محبتی برای رسیدن ما به هدف خلقتمان ضروری است، به عبارت دیگر ما بدون خودشناسی و تعیین اولویت‌ها امکان شبیه شدن به الله یا کمال مطلق را نداریم.

ما در این درس به بررسی رابطه میان خودشناسی و تعیین اولویت‌ها و اثر این دو بر رسیدن به هدف خلقتمان پرداختیم، گفتیم که بدون خودشناسی امکان تعیین اولویت‌ها و تنظیم نظام محبتی ما ممکن نیست و از طرفی هم خودشناسی تنها بدون تنظیم نظام محبتی یا اولویت‌بندی معشوق‌ها ما را به هدف خلقتمان نمی‌رساند. ما برای شبیه شدن به الله نیاز به پرداختن به خودشناسی و تعیین اولویت‌ها در کنار یکدیگر داریم.

سوره توبه، آیه 24¹

آیا تا به حال به این فکر کرده بودید که رسیدن به هدف خلقت بدون خودشناسی و تعیین اولویت‌ها یا تنظیم نظام محبتی ممکن نیست؟ حتماً نظرات خود را در این باره با ما در میان بگذارید.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer